جایگاه عدالت
در انتدابه سیاسی محقق‌های نزدیک

سید عبدالقیوم سجادی

مقدمه

هر چند مفهوم عدالت در انتدابه سیاسی شبیه همواره مورد اهتمام و توجه بوده است، اما در انتدابه سیاسی محقق‌نارقی جایگاه این مفهوم را می‌توان در مرکزیت منظومه انتدابه سیاسی وی جستجو کرد. عدالت به عنوان یک مفهوم کلی‌ای اساسی و بنیان انتدابه نرقتی را در زمینه سیاست حکومت و جامعه تشكیل می‌دهد. در واقع می‌توان گفت انتدابه سیاسی محقق‌نارقی بر محوریت مفهوم عدالت سامان می‌یابد. در انسان شناسی علامه نرقتی ماهیت و جوهر قوای انسانی و تعامل درونی این قوا، نقطه عزیمت محسوب می‌شود و با ظهور مکلک عدالت و اوضاعی جوان شجاعت، حکمت و عفف به انجام می‌رسد؛ ببنین ترتیب در انسان شناسی نرقتی مفهوم عدالت که ظهور و تجلی تهذیب قوای عامله انسان است، نقش اساسی در تصور انسان کامل و الگوی مطلوب نرقتی می‌کند. جایگاه عدالت در انسان شناسی این اندیشمند را می‌توان از توجه تعامل قوای انسانی در کلام ایشان به دست آورد. در این راستا مفهوم نرقتی ضمن توضیح ترتیب قوای مختلف انسانی، جدـ قوـه مهم تری انسان را مورد توجه قرار داده و ضمن بیان کاروپزه‌هاهای هر یک از آنها، رابطه مورد نظر الگوی مطلوب را ریابی می‌کند.

و از عانی انسان قوای ارتب که عقل، شهوت، عصب و می‌باشد، حکم کارفرمان و سران لنگر و عمل مملکت را درند و سایر قوا زیر دستان و فرمان برندند. آنان عقل، ادای حقایق و تعیین مبان خیرات و شور و مان به اعمال جمله و نهایی از صفته ممکن است و اگر ایده‌های قوه شهرونه بقای بدن است و بهره قوه و هم به امکان اجرای قوانی است و دانست دفاعی امری می‌که به اپنها به مقاس مصیبتی می‌رسند و حکم قوه و غضبیه آن است که رفع مضرات‌های خارجه را از می‌تواند و

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی.
امرویوزهایی که مانند مقدمه موردنورده، شرایط اجتماعی و اقتصادی نمی‌تواند به یک منبع مناسب و دوستدار باشد. از آنگاه مکتوب سه، معلوم می‌شود که نهایی کمال و گایت حکومت و سیاست‌های واردات و افزایش قیمت، صرفه و ضایعات را در جمع صنعت و اقتصاد غذاهای و صنایع غذایی افزایش نمیدهد. فردی از امرویوزهای وابسته به

"مفهوم عدالت در نزد نراقی" قبل از مطالعه جایگاه عدالت در بحث فرجام‌شناسی سیاسی و گونه‌شناسی قدرت و حاکمیت سیاسی، ابتدا لازم است به تعريف نراقی از عدالت اشاره کنیم.
مقوله عدلات یکی از مفاهیم اساسی فلسفه سیاسی است که هیچ‌گاه تلقی واحد و مورد تفاوت در مورد معنوی و معنای این واژه به دست نیامده است. تنها می‌تویند اشکال خالص فلسفه سیاسی، جستجوی مبانی برای عدلت و یا قانون عدلانه در جامعه بوده است که بتوان بر اساس آن درباره قوانین موضوعه بشری داوری کرد. برخی این مبانی را در قانون الیه و یا در قانون طبیعی جستجو کرده‌اند و برخی دیگر آن را دستاورد تقلیل بشر و کوشش عقل انسان در تنظیم جامعه دانسته‌اند.
افلاطون دولت عدلانه را به اکثریت هر کاری به کسانی که شایسته این هستند تعریف می‌کند. در حالتی که ارسطو عدلت را رفتار برای با اقدار برای و رفتار نابرابر با اقوام نابرابر تا جایی که به وجه نابرابری آنها مربوط می‌شود، تعریف می‌کرد و از سویی، از انگیزه فلسفه سیاسی مسمی اگونسین، رعایت قوانین طبیعی، همان قوانین الیه به صورتی است که عقل آدمی آن را می‌یابد، شرط تحقق عدلت است و بالاخره این که از دیدگاه احادیث اصلی، عدلت در جهیزی جستجو می‌شود که خبر و صلاح عامه را پیش برد و به عبارت دیگر محک عدلت، شاید است.
در این مبان، علامه تراقبی در صدد است تا مفهوم عدالت با رتبه‌های زمانی و وجودی و اقتصادی، اجتماعی و قابل تطبیق و پیگیری است. در تلقی این محقق عدلت به مفهوم عدالت معنی و دوگان از افراد و تقریباً تعریف می‌شود:

بدین‌کنار، عدلت یا در اخلاق این است و یا در ادب و یا در عقل و یا در عقل اغلب یا در عقاید و یا در معاملات مبان در دیده و یا در حکم زنا و سیاست ایشان. و در هر یک از اینها عدل کسی است که می‌شود به یک طرف روا نداده و افراد و قرارداد و تیم‌دار نکند، بلکه سعی و مسئولیت نماید و هم‌اری را در حد وسط قرار دهد. و میزان عدل در وسط هر امری، نبست مگر شریعت حقیقی و طریقه‌های مبنیه‌ها از سرجمش و حدث حقیقی صادق شده - پس ان میزان عدل است در جمعیتی یک:

بدین ترتیب عدلت و صمیمیت این است که با دوری و تفریق در جوی‌های مختلف جهیزی اعم از اخلاق، سیاست، اقتصاد و غیره جریان می‌یابد.

جایگاه عدلت در اندیشه سیاسی تراقبی

بتوجه عدلت در اندیشه سیاسی محقق تراقبی با مقوله سیاست و حکومت و مسائل مربوط به آن گروه می‌خورد و در وابستگی مختلف مبتنی سیاسی بازتاب می‌یابد. نتیجه‌ی طبیعی فلسفه سیاست و غایت حکومت، مشروطیت و گزار آمده‌ی نظام سیاسی و کاربردهای حکومت به صورت جسم‌گیری تحت تأثیر مقوله عدلت قرار دارد.
عدالت به عنوان غایت حکومت

بحث غایات نظام‌های سیاسی از دیرباز یکی از دلغوتهای فکری اندیشه‌شناسی سیاسی و به ویژه فلاسفه سیاسی بوده است. فراموش‌نشانی نظام‌های سیاسی در نظریه‌ریزی‌های متفکران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، جدید و قدمی، عمدتاً با بحث عدلات مرتبط بوده است: به عبارت دیگر، بیشتر کسانی که در زمینه حکومت مطلب به ترسیم مدل‌های فاسدل مورد نظرشان برداخته‌اند، ضمن تأثیر بخشی از علی و عوامل مختلفی که ایجاد زیادی از مطالب عدلات خواهد و تحقیق علی و تحقیق علن در اجتماع متأثر بوده‌اند، هر چند به تدریج روند فلاسفه سیاست و غایت حکومت اجماع نظر وجود داشته است. رابطه بحث غایات حکومت با مفهوم عدلات زمانی آشکارتر می‌گردد که تعیین حکومت مطلوب از دیدگاه دانشوران سیاسی و فلاسفه سیاسی تجزیه و تحلیل کنیم. در هنگام علن، همان‌گونه که اشارت به اینجا، جهت غایات سیاسی از مناقشته‌های انگیزش‌های باشگاه فلاسفه سیاسی به شمار می‌رود، زیرا نه تنها در بین فلاسفه سیاسی درباره ارزش‌ها و غایات واقعی سیاسی اختلاف نظر وجود دارد، بلکه اغلب مقصود انسان از غایات سیاسی یکسانی چون‌آباد و عدلات متفاوت یا خصوصی است. در این مقاله از فلاسفه سیاسی بر اساس تعبیری از این غایات در پی بیان سیاست‌های برای یک‌جانبه گیری مطلوبیت اشکال حکومت بوده‌اند؛ مثالی میزان مرغفت به حق‌پذیر در فلاسفه افلاطون، میزان تأمین خیر و مصلحت عامی در مقابل صلح صاحب‌نظر در اندیشه‌های اسکوپولو، میزان تأمین نظام و امتنع در نتیجه‌ها را شاگرد شادی را در اکثر افراز در مکتب اصلی‌فایده، هر یک میزان جدایی‌بندی برای تعیین شکل بهتری از حکومت هستند. و باعث عدلات نیز در این جهان تعریف شود؛ اما واقعیت آن است که علی رغم تعابیر مختلف، هر یک از مفاهیم فرق به عنوان غایت حکومت، به نحوی از معناهاکننده مفهوم عدلات محصول می‌گردد. زیرا «عدالت وا توان جامع تبریز غایت سیاسی شمرد... لیکن به هر صورتی که آن را تعریف کنیم چگونه ارزش‌های اصلی و کلی تعارض پیدا می‌کنند.»

محقق نرافق عدلات را به عنوان غایت حکومت و نظام عادلانه را به عنوان نظام سیاسی مطلوب مورد تأکید قرار داده، اظهار می‌دارد که تمامی فضایل و کمالات در پیرو عدلات تحقیق می‌پاید و طالب سعادت و فضایل می‌پاید به تحقیق عدلات و اجرای آن در جامعه اهمیت ورزد، «اگر طالب سعادتی، سعی کن تا جميع کمالات را جامع باشی و در جميع امور مختلفه وسط و میانه روي اشعار خود کن...»
در اندیشه‌ی تراکم عدلات به عنوان سر مشتاق کمال و سعادت، غایت سیاست و حکومت محسوب می‌شود. از آن جا که انسان در یک سعادت است و این امر جز اساس عدلت حاصل نمی‌آید، از این رو نظام سیاسی و حکومت می‌پایاند در راستای تحقق، استمرار و گسترش این صفت پرتره و اساسی تلاش کند:

از آنجا مذکور شد معلوم شد که نهایت کمال و غایت سعادت از برای هر شخصی اساسی انتظار بود. صفت عدلت و میانه‌ی روی در جمع صفات و افعال ظاهری و باطنی، خواه از اصولی باشد که مختصات ذات او و تعطیل به خود او باشد، یا امری باشد که میان او و دیگری بهره باشد. نتایج در دنیا و آخرت حاصل نمی‌شود. مقره این انتظار را انتظار موضوع بررسی و ثبات بر می‌کند (عدالت).

در چنین دیگری، فاصله‌ای بین این عدلت را عامل انتظار به نگاه کرده که انتظار نظام نسبی نمی‌گردد که اشاره‌ای دارد که این غیره کافی است. است که از آن متنو، و عدل سالمه‌ی هستی پنی آم د هم کافی اجمالی نمای ای است به آن مربوط (است) 10

رابطه عدلت و سیاست

در اندیشه‌ی محقق تراکم نوعی رابطه دو سویه میان عدلت و سیاست بر قرار می‌شود. در این جا یلی از یک حد عدلت را به عنوان اساس و قوام نظام آفرینش و پایت بشرخوانی و پایداری نظام سیاسی مطرح می‌کند و از سوی دیگر، به دلیل آن که عدلت در جامعه به مواضع ناشی از ژرژ برتری جویانه انسان رو به روس، نظام سیاسی را موظف به اجرای آن می‌داند: بدان تراکم در صد است تا میان سیاست مطلوب و مفهوم عدلت بیوند عمیق و ناگستنی را ایجاد کند. در این چا طبق می‌یابد سیاست بر میزان عدلت انجام می‌گیرد و سیاست مطلوب از این را در راستای عدلت بهبود دهنده برای راه‌های کرده.

در اندیشه‌ی تراکم اصلاح جامعه از رهگزد اصلاح فرد انجام می‌گیرد. از این رو بیشتر منطقه‌های در قابل وظیفه و اخلاقی فردی مطرح می‌شود. زیرا اصلاح فردی بیش از هر وقایع اعمال مطلوب عدلت متمرکز می‌کنند زیرا وی اساس و قوام نظام اجتماعی را بر بینان عدلت استوار می‌سازد. 11 اهمیت مقوله عدلت در مباحث سیاسی و اندیشه‌ی سیاسی تراکم بیانی به خوبی قابل ردیابی است که می‌باید تقابل بین سیاست، حاکمیت، مشروطه و کارآمدی نظام سیاسی را مورد توجه قرار دهیم؛ وی می‌گوید:
بدین ترتیب محقق نرخی عدالت اجتماعی میان شهروندان را به عدالت نظام سیاسی منوط می‌کند. از این فرآیند تاکید به جریان اجتماعی میان توده‌ها و شهروندان در پروتکل حکومت ظالم و ستمگر تنها به انکاس ضعف خورشید عدالت می‌اندازه و جز سایه سازی بیش نخواهد بود. محقق در آماده‌ی ما نویسند:

...چگونه نیاز به حاکم قوه دارد تا تحقیق معرفت و کسب علوم و تهدیدی اخلاقی و تدبر منزل و خانواده و تربیت عوامل و لازم موافق است به فراغ باید اتفاقی اخلاقی و انگیزه ای بپذیرد و وجود نماید.

در اینجا محقق نرخی ضمن آن که به شعبات مختلف سیاست از قبل تدبیر منزل اخلاق و سیاست مدن اشتهار می‌کند، اما رابطه آنها را به صورتی تنظیم کند که اداره معاملات و تدبیر منزل بر محوریت سیاست مدن تحلیل می‌شود و تنظیم سیاست شدن بر محوریت عدالت زمینه‌های و تعالی جوامع در سایر ابعاد انجام می‌گیرد. در غیر این خصوص سامان و گزارشات و آ سابندی و دامن‌گیر جامعه خواهد شد.

در انتفاضه سیاسی نرخی مفهوم عدالت با مقبولیت و کارآمدی نظام سیاسی پیوسته و ثابت دارد. نظام سیاسی مطابق نرخی عدالت بر این که وضعیه دارد تا در راستای گسترش و تمکین عدالت در جامعه نشان دهد، مقبولیت و کارآمدی او نیز تا اندازه‌ی بی‌ساییده‌ای اخلاقی که باید عقل خود به دوام سلطنت گردد، جوون دولت سرافadan را پایان‌یابی از این هشیاری را کاخ رفع سیستم سلامتی را نگهبانی از این پیاده نسیم.

گوته شناسی محقق نرخی در مورد عدالت و دارنده‌ی آن (عادل) به صورتی آزادگان می‌گردد که عدالت در انتفاضه سیاسی عادل در مرکز این گونه شناسی جای می‌گیرد و به عقبنش صلح و زنجیرهای اجتماعی را با مبدأ‌ای آفرینش (عادل اکبر) یپون می‌گردد. در این گونه شناسی از هر نوع عادل یاد می‌کند: عادل اکبر که همان شریعت حقه‌ای استد، و عادل و نظام سیاسی عدلانه‌ای است و عادل اصغر که در تلقی اینجا بقا و نیروه است که مساوات در معاملات را تامین می‌کند. اما در این میان، عادل اکبر و عادل اصغر (حاکم عادل) به دلیل آن که هم‌های استفاده از آن و اجرای شریعت حقه‌ای از مهم‌ترین عدالت و تطبیق بین‌المللی عدالت هستند.
در حالی که بیشتر اندیشه‌های سیاسی اهل سنت مبتنی مشروطه نظام سیاسی را در حد کاربرده، نظم و امنیت ممنوش داده‌اند. محقق نراقی ضمن آن که مشروطه نظام دینی را با اموزه‌های وحیانی بیوند می‌داند، آن را در دوران اجتماع و کاربرده نظام سیاسی در قبال عدلت جستجو می‌کند.

وی شرط اتصاف سلطان به ظل الهه را عدلت و اجزاء آن در جامعه می‌داند و معتقد است:

پس سلاطین عدلت شاه و خوایین مصداق آن از جای خضرات مالک انگل برای رفع نظم و پاسبانی عرض و مال اهل عالم معین کشته. از کافه خلافه منطق و از این جهت به شرف خطاب نظر الهه سرافراز کردی‌اند. این مردان و معاشره عادی در انتقام و سلسله حیات شان و افکام بهره است.

آثار و فواید عدلت
در اندیشه دینی اسلام، برای عدلت به عنوان یکی از فلسفه‌های رسالت نبی خاتم، فواید و آثار ارزشمندی مطرح شده است. در این میان، محقق نراقی نیز به الهام از اموزه‌های دینی، فواید و آثار اجتماعی عدلت را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در اینجا آثار و فواید عدلت اجتماعی از منظر این محقق را با رپتردی سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهم.

۱. عدلت و تعمیق اعتماد مردم به زمامداران
جلب اعتماد شهرزادان برای کسب حمایت‌های آن‌ها از نظر مسیحی، یکی از مهم‌ترین دعده‌های نخیبان سیاسی و کارگزاران حکومتی است. حکومت‌ها، تلاش می‌کنند تا حداکثر علت صورت نظری حمایت و پشتیبانی توده‌ها را با خود داشته باشند. این امر علاوه بر این که نشان استحکام وزیر سیاسی است، یکی از منابع قدرت سیاسی افراد عمومی و هر افراد عمومی را از خود به نعیش بگذارند. تحقیق نقلی به‌بینی که مسئول از این‌چنین اعتماد میان شهرزادان و زمامداران است راه‌های مختلفی می‌تواند قابل حصول باشد. در این میان، عدلت به عنوان سازواری تعمیق دهده این اعتماد عمل می‌کند.

جدب‌های دلکش و فربینده دمکراسی غرب عمده‌ترین شعار شمار عوامل حکومت از منافع توده‌های است. به لحاظ توریستی تردیدی در این زمینه وجود ندارد که اعتقاد متقابل دولت و سازواری مهم‌ترین عنصری است که علاوه بر کسب مشروطه نظام‌های نظام حاکم، موجبات استحکام.
کارآمیزی و مشارکت فعالانه توسعه‌دهنده‌ها را در مدیریت جمعی فراهم می‌سازد. اگر به آمیزی مشروطه سیاسی در رژیم‌های سیاسی معاصر اذعان کردیم و جایگاه و نقش این عصر در کارآمدی و استحکام نظام سیاسی را بپذیریم، خواهیم دید که این همه توانمندی و کارآمدی در عنصر مشروطه سیاسی جز بر بنياد اعتماد متقابل دولت و ملت حاصل نخواهد شد. زیرا در دمکراسی مشروطه اهمیت زیادی دارد، دموکراسی بر رضایت مردم مبنی است و بر خلاف تمامی آنها نمی‌توان مشروطه را بر اراده آنها تحمیل کرد. در صورت نبود مشروطه، حکومت اعتماد عمومی را از دست می‌دهد و سرانجام فرو می‌افتد. ۱۸

به نظر محقق تراظی مهم‌ترین و کارآمیزه‌ترین راهکار عینی برای جلب اعتماد مردم برقرار و استقرار عدالت در جامعه است. وی در بحث آثار و فواید دنباله عدالت، این نکته را تختخیت آن مثبت عدالت دانسته‌می‌گوید:

اول‌اکن‌هم‌به‌علت‌و‌نقل‌و‌تجربه‌و‌عين‌ظاهر‌روشن‌است‌که‌ای‌شیوه‌سنگین‌یا‌به‌تحصیل‌دوستی‌تندیدک‌و‌دور‌و‌بی‌ارزش‌می‌زیان‌و‌فرانسوا‌در‌دلی‌سیاسی‌و‌ریعت‌است. ۱۹

۲. استحکام نظام سیاسی

استحکام و پایداری نظام سیاسی، زمینه‌ها و موجبات آن، یکی از مباحث جدی پژوهشگران و جامعهشناسان سیاسی را تشکیل می‌دهد. چگونه نظام سیاسی پایدار می‌ماند؟ برای حفظ نظم از عدم تعادل و سقوط چه مکانیسم‌مناسب و کارآمد است؟ و امثال اینها، پرسش‌هایی است که هنوز بخشی از مباحث جامعه‌شناسی سیاسی را به خود اختصاص داده است. متفکران و جامعه‌شناسان هر یک طبق‌بافت‌های علی‌ی و تجربیات عینی جواب‌های مستقیمی را ارائه‌داده‌اند. در مباحث جدید مربوط به تنوع سیاسی، تأمین خودکفایی و انحصارات مردم که در قبال تقابل‌وارد سیستم سیاسی می‌شود، به عنوان یکی از شیوه‌های استحکام نظام و حفظ تعادل سیستم سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که برخی از جامعه‌شناسان انجام دادند موفق کار ویژه‌های نظام سیاسی را

مطلب اصلی تلقی کرده‌اند. ۲۰

پایان محقق تراظی به پرسش فوق، عدالت است. به نظر انسان سلاح‌دار و ملوک می‌باشد برای خلوت و جلوگیری حکومت‌شان قبل از هر چیز به کاربرد عدالت اهمت ارزان و زیاد. فراتر از این، نظریه‌نیتی عدالت را به عنوان زمینه استحکام که به مثابه تغییرات و محافظت سیستم سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد:

سوم‌آن‌که‌شیوه‌عدالت‌و‌دادخواهی‌با‌دیگر‌ودوام‌و‌خلود‌ساخت‌و. چون‌دولت‌سربار
در ادامه محقق ترافی این دیدگاه را با همیشه از امام علی(ع) تایید کرده و می‌نویسد: 

از حضرت علی(ع) ممنون است که از محفل و فراموشی‌های خرس که به عدل و داد عمل کردند دولت 

أو را در حصار امن کرده و داد که جور و سرم نماید که زندگی او دارد. از لوازم عدالت آن

۳ عدالت و توسعه اجتماعی

هر چند توسعه اجتماعی شامل توسعه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، چه یک مقیم جدی غربی

است عمل‌هایی در موانعی دنبال هنگام توجه قرار می‌گیرد اما در جامعه دینی، گسترش،

تقویت و استحکام بناهای ارتش‌های دینی خود موضعی است که در ذل این عناوین متأثر از آن

بحث کرد. با چنین روندی‌ای به بحث توسعه اجتماعی، مفهوم عدالت به عنوان زمینه ساز و

فرهنگی‌کننده بستر ترویج و اشاعه تعالیم دینی از یک سو و اثر آن در توسعه اقتصادی جامعه از سوی

دیگر از همین ناحیه بزرگداشت می‌گردد. محقق ترافی با اشاره به این بی‌بند از آثار عدالت در جامعه

می‌گوید:

همچنین که چون پادشاه رهبره عدالت را پیشنهاد خود گرداند، چنه امنیت عالم فراموش به

مکاسب و مقصد خود اشکال تایید و بارز علم و عمل و روانی نژاد و گذشتن شریعت را طراوت

به اندیشه حاصل گردید. ۲۲

بنا بر این عدالت با تأمین سازش خاطر مردم، زمینه‌های تحصیل رفاه مادی و کمال عمیقی را

فراموش کرده و نقش مهمی را در رون توسعه اجتماعی ایفا می‌کند. البته آنچه مورد در سامان توسعه

اجتماعی به عنوان زمینه و بستر شکل‌گیری هر نوع توسعه، از آن در قالب به‌کمک اجتماعی

یاد می‌شود، قدرت محکم و ماهوی جدی به بحث عدالت در ارتباط با توسعه سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی بیش‌تر می‌کند، زیرا عدالت اجتماعی در صورت عریان و تحقیق، عالی ترین شکل انتباه

اجتماعی است که در جمیع جامعه‌ای نه تنها کمترین دغدغه و نگرانی از ظلم و بی‌پای صلاحان قدرت و

ثروت بر طبقه مشاهده نمی‌شود، بلکه فرصت و امکانات مساوی و برابر در زمینه‌ها و اباد مختلف

اجتماعی باید همگان فراموش می‌گردند. آنچه محقق ترافی در عدالت ملک و سلامتی مورد تأکید قرار

می‌دهد، صرفاً اصاص شخص زمادار به این وصف نیسته، بلکه فضیلت آن از آن روست که به چرایان

خوشی در در جامعه تمامی چار و خاشاک بیداد را از سر راه ستم سپیدگان بر می‌دارد. از لوازم عدالت آن
است که عادل فقط به باز داشتن خود از ارتباط ظلم اکتفا نکند، بلکه احترام رعایت و سایه‌های و کارکنان و کارشناسی را همراه ارتباط ظلم و استیصال به اطمینان و کمک‌رسانی گسترش داده است همچنین به تربیت فرم‌نوازی بر مخلوطی واقع شود. این حقیقی که در واقع فرم‌نوازی با توسعه اقتصادی از دیگر مباحث است که ترکیب بی‌طرفی بر برحال آثار عیینی عادت، در صد تحریک و تحریم سرمایه‌ران به‌غیر عادت بر می‌آید.

البته هر چند در بیان محقق این رابطه صرفاً توصیف می‌شود و به علل و رشته‌های آن تنها بردازد. اما می‌باشد مرد به توسیع اقتصاد و رابطه آن با عادت اجتماعی که امرزه در آن جوامع معاصر مطرح و حاصل اهمیت است تا انسان را رابطه را انیمی کرد برخورداری نماید. شهرت‌دان از سیاست و امکانات اقتصادی برای انتی‌شاگری، خاصیت اقتصادی، نمایی از اینکه کسی از یک سو بپیده عادت اجتماعی رابطه عمیق و جدی دارد و از این‌رو، خود به عنوان لازم عادت اجتماعی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، ترکیب به شرایط و اوضاع زمانه و تجربیاتی که از جوامع معاصرش دارد، صرفاً به توصیف این رابطه برداخته، می‌گوید: بس هر که قوا و صفات خود را به اصلاح و از طرف افراذ و ترفیه دو کردی مشتبه هوا و هوس نفسها خود را نشود و بر جاده وسیط است. خلق خدا و سه‌بل ایستاد شی‌منی شرمندی در زمین و جوین آنین شخپستی در میان مردم حاکم و فرم‌اورا شد و زمام امور ایشان در قیص فلاک افتاد و در آمد. جمع مفسد به اصلاح می‌یاد و همه بیلاد روشین و هورایی مشود و عالم معمور و آباد می‌گردید و چشم‌ها و نحو و رپاب می‌خورد و رفع و محصول فروان و نسل بی‌پایان دیدر می‌شود و بردک آسان زمین را فدریک و باران‌های نامه نیش آن می‌شود از این جهت است که بالاترین اقتصاد عادت و اشرف و افضل انواع سیاست، عادت به‌اشدی است.

بیان محقق ترکیب در برخی موارد اشعار دارد که اجرای عادت در جمعه پرداخته و آثار اقتصادی را بدون واسطه عوامل دیگر به دنبال دارد. اما با توجه به اصل علیت در عالم هستی چنین برداشتی از کلام ایشان بسیار به نظر می‌رسد و از این رو می‌توان گفت. با توجه به داده‌های جامعه شناختی و علم اقتصاد مخاطبین حاصل این فراز از گفتار ایشان با حفظ اصل علیت در جهان هستی از وضعیت برخوردار خواهد بود، شاید نتیجه این بتوان گفت به نظیر محقق ترکیب اجرای عادت در جامعه با توجه به این که به ترکیب از تربیت نمایان، تاجران و اصحاب علم و دانش خزشی و سرزمینی و شادابی می‌خشد. مردم را به زندگی و تلاش اقتصادی و اجتماعی و داشته و زمینه‌های اعتلای شهرها، بلاد و قابله و دخایان نهرها و فرآیند محبوبیت کش‌کاروان و زراعت را فراهم می‌آورد.
پیش‌نویس‌ها

۱. ملا احمد نراقی، مصباح المعاویه (قم: انتشارات هجرت، 1372) ص ۳۹.
۲. همان، ص ۲۸، ص ۲۹.
۳. همان، ص ۵۴.
۴. حسین بهدادی دولت‌دار نژاد (تهران: مؤسسه نشر علوم، ۱۳۷۷) ص ۲۴.
۵. ملا احمد نراقی، مصباح المعاویه (جاپان، بی‌تا) ص ۴۶. این تعبیر در عدل احتمالاً یک قلم امام علی (ع) در مورد ثبوت و هر که در موضوع مطرح می‌کند.
۶. حسین بهدادی دولت‌دار نژاد، ص ۴۶.
۷. همان، ص ۲۷ به تقلید‌زا:

s Korner, fundamental Questions in Philosophy (penguin, 1969) p.149

۸. ملا احمد نراقی، جامع المعاویه (انتشارات هجرت) ص ۴۲.
۹. همان، ص ۵۴.
۱۰. همان، ص ۲۴۵.

۱۱. احتمالاً در این جامع المعاویه این جهت این حديث است: به‌حال در این جامع المعاویه، تفسیر صادقی، دیل آیه ۷ سوره الرحم.
۱۲. ملا احمد نراقی، پیشین، ص ۴۶.
۱۳. همان.

۱۴. همان، ص ۲۹۰. این استنباط احتمالاً با توجه به روایت است از امام مصباح المعاویه که قرموذدان: حسن السياسة پسندیده‌ترین امریکا، درک: اگر دانشگاهی، ص ۱۳۷۷.
۱۵. رک: ملا احمد نراقی، پیشین، ص ۸۱.
۱۶. همان، ص ۲۴۸.

۱۷. از جمله در سوره حديد، آیه ۳۱ می‌دانیم: از آرمان رستاخیزیات و آن‌ها، همکاری کتاب و چاپ‌سازی لیکو ناماس با قلم‌داده، در این آیه امام، تحقیق و آزمایش عدالت در جامعه‌گیری و هدف ارسال رساله‌های دانسته شده است.
18. عبدالرحمان عامل، بنیادهای علم سیاست (تهران: نشر نی، 1373) ص 106.
19. ملا احمد نراقی پیشین، ص 20.
20. عبدالرضا قوام، نقد نظریهای نوسازی و توسعت سیاسی (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1374) ص 57.
21. ملا احمد نراقی پیشین، ص 20.
22. همان، ص 180.
23. همان، ص 192.
24. همان، ص 193.
25. همان، ص 194.